



بیانیه اتحادیه عرب مردود است

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه، با ابراز تأسف از صدور بیانیه اخیر وزرای خارجه اتحادیه عرب و مردود دانستن مفاد آن اظهار داشت: «اقدام جمهوری اسلامی بر مبنای حق مشروع در مقابله با عناصر تروریستی و وابسته به رژیم صهیونیستی در اربیل عراق که امنیت ملی ایران و شهروندان را در معرض تهدید و خطر قرار داده بودند، صورت گرفت و جمهوری اسلامی ایران در برخورد بازدارنده با منابع تهدیدکننده امنیت ملی و نیز دفاع از امنیت شهروندان خود و تنبیه جنایتکاران تردید نخواهد کرد.» سخنگوی وزارت امور خارجه تأکید کرد: «احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و حسن همجواری با آن، از اصول ثابت و اثبات‌شده جمهوری اسلامی ایران در رابطه با عراق است. در همین راستا در سال‌های گذشته خاصه از آغازین روزهای حمله داعش و گروه‌های تکفیری به عراق، جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مسئولانه خود برای حفظ امنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور، با تمام توان در کنار دولت، ملت و نیروهای مسلح عراق قرار گرفت.» کنعانی در عین حال تأکید کرد: «از دولت عراق انتظار می‌رود به توافقنامه امنیتی که بین دو کشور در سال گذشته امضا گردیده، متعهد باشد و مفاد آن را به‌صورت کامل اجرا نماید.» سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: «رابطه ایران و عراق مستحکم، همه‌جانبه و مبتنی بر منافع و مصالح مشترک و نیز پیوندهای ناگسستنی میان دو ملت است، فلذا انتظار می‌رود اتحادیه عرب تلاش‌ها و توان سیاسی، حقوقی و بین‌المللی خود را مصروف توقف حملات وحشیانه و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در نوار غزه و رفع اشغال ۷۵ ساله از سرزمین فلسطین و حمایت از ملت مظلوم آن نماید.»



گروسی: گروگان اختلاف ایران و غرب شده‌ایم

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفت‌وگویی مدعی شد، ایران در اختلافات سیاسی‌اش با غرب، همکاری‌ها با آژانس را محدود می‌کند. به گزارش ایسنا، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حاشیه نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس باری دیگر ادعاهایی را درباره سطح همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تکرار کرده و گفت که ایران به ندرت با آژانس که احساس می‌کند بر اثر اختلافات آن با غرب گروگان گرفته شده است، همکاری می‌کند. خبرگزاری فرانسه گزارش کرد، گروسی در گفت‌وگو با این خبرگزاری درباره فعالیت‌های آژانس در ایران گفت: «واقعاً وضعیت دلسردکننده‌ای است. ما به انجام دادن فعالیت‌هایمان در آنجا ادامه می‌دهیم اما حداقلی است. آن‌ها (ایران) به طرز بی‌سابقه‌ای همکاری را محدود کرده‌اند.» او مدعی شد که ایران برخی بازرسان آژانس را به دلیل ملیت‌هایشان نپذیرفته است. گروسی در این باره بیان کرد: «این راهی برای تنبیه کردن ما است، وقتی چیزی باشد که فرانسه، انگلیس یا آمریکا بگویند از آن رضایت ندارند، انگار آن‌ها (ایران) آژانس را در اختلافات سیاسی‌شان با بقیه گروگان می‌گیرند. این برای ما غیرقابل قبول است.» مدیرکل آژانس همچنین درباره تأثیر روابط تهران و واشنگتن در پی تحولات منطقه بر حل و فصل موضوع توافق هسته‌ای گفت: «دیپلماسی، دیپلماسی، دیپلماسی، دیپلماسی چیزی است که به آن نیاز داریم. ما باید به گفت‌وگو ادامه دهیم و از بدتر شدن وضعیت تا حدی که جبران آن ناممکن شود، جلوگیری کنیم.» او همچنین درباره سفر به ایران گفت که احتمال آن را رد نمی‌کند.

زمینی با افغانستان ندارد و در نتیجه نگرانی کمتری نسبت به طالبان در افغانستان دارد. چینی‌ها دنبال منافع اقتصادی خود و یک بازار خوب هستند و مدت‌هاست که کالاهای یک دلاری برای مردم افغانستان تولید می‌کنند و به این کشور ارسال می‌کنند. طالبان فرصت مناسبی برای چین است که نفوذ اقتصادی خود را در افغانستان تقویت کند.» وی معتقد است: «وضعیت چین با ایران متفاوت است. ایران و افغانستان بیش از ۸۰۰ کیلومتر مرز مشترک زمینی دارند. گروه‌های تروریستی بسیار خشنی در افغانستان پرورش پیدا کرده‌اند که هم مشکل ایدئولوژیک دارند و هم به دلیل سال‌های مبارزه ایران با چنین گروه‌هایی در سوریه و عراق خصوصت عمیقی با ایران دارند.» به اعتقاد این کارشناس مسائل افغانستان اختلاف ایدئولوژیک و تفاوت مذهبی ایران و افغانستان نیز باعث می‌شود که حاکمیت طالبان در افغانستان آسیب‌های بیشتری به ایران برزند. وی می‌گوید: «کشورهای آسیای میانه، یعنی تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان به لحاظ ایدئولوژیک اختلاف عمیقی با گروه‌های سلفی حاضر در افغانستان ندارند.»

نگاه کارشناس

دیوارهای بتنی و خندق‌های عمیق به تمهایی امنیتی را تأمین نمی‌کنند

نفوذ نیروهای خارجی داعش به داخل کشور از مرزهای شرقی مساعدتر شود.

در شرق ایران به‌صورت تاریخی این مردم بودند که امنیت را تأمین می‌کردند. زمانی که انگلیسی‌ها به سرزمین‌های منطقه دست‌اندازی می‌کردند، این مردم بودند که در مقابل انگلیسی‌ها ایستادگی می‌کردند؛ در دوران قاجار هیچ کمکی به مردم در برابر نیروهای خارجی نمی‌شد. الان متأسفانه نگاهی در حاکمیت وجود دارد که می‌خواهد امنیت را بدون مشارکت مردم محلی تأمین کند. عمده فرماندهان نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی در منطقه از نقاط دیگر به شرق کشور اعزام شده‌اند. این افراد نه محیط را می‌شناسند، نه با فرهنگ منطقه آشنایی دارند و نه توان کافی دارند که در شرایط سخت آب‌وهوایی منطقه دوام بیاورند. اگر حکومت به شهروندان محلی در سیستان و بلوچستان و خراسان اعتماد می‌کرد، به نظر من مشکل در این حد افزایش پیدا نمی‌کرد و گروه‌های ریدیکال تا این اندازه رشد نمی‌کردند. جمهوری اسلامی ایران اگر می‌خواهد امنیت را حفظ کند باید در سیاست‌های خود تجدیدنظر کلی کند. تاکنون ایران تدابیر متعددی را در مرزهای شرقی اندیشیده؛ برچک ساخته، کانال کشیده و دیوار امنیتی در نزدیکی زابل برپا کرده است، اما هیچ‌یک از اینها پاسخ نداده است. دلیلش این است که نمی‌توان امنیت را یک‌بعدی و فقط با نگاه صرفاً نظامی حل و فصل کرد. وقتی فقر و بیکاری هست، امنیت هم شکل نمی‌گیرد. حکومت باید نگاه توسعه‌ای به منطقه داشته‌باشد تا این دفاع‌های که بین مردم منطقه و حکومت ایجاد شده است، از بین برود.

در دورانی که اشرف غنی هنوز در افغانستان حاکم بود، بخشی از نیروهای مسلح ایران روابطی را با بخش‌هایی از طالبان برقرار کردند. وقتی طالبان قدرت را در اختیار گرفت، این رابطه همچنان برقرار بود و این نیروها تا حدی تلاش کردند مسیر تطهیر و سفیدنمایی عملکرد طالبان را در پیش بگیرند. این تبلیغات باعث شد که در بخشی از حاکمیت این تصور ایجاد شود که طالبان یک گروه ضدامریکایی مسلمان است که قدرت گرفتن آن در افغانستان امری مطلوب برای ایران به حساب می‌آید. اما طالبان یکدست نیست. دست‌کم سه گروه در طالبان وجود دارد که هر یک عملکرد و رویکرد متفاوتی دارند. شورای کوئته که رهبری آن در قندهار مستقر است، یکی از جناح‌های اصلی طالبان است اما در کنار شورای کوئته شبکه حقتانی را هم در طالبان داریم که با داعش همکاری می‌کند و گروهی بسیار تندرو و خشونت‌طلب است. طالبان یک گروه ایدئولوژیک بر مبنای اختلافی از مکتب دیوبندی جنوب آسیا و سلفی‌گری و هابی‌خاورمیانه‌ای است که ایدئولوژی آن تبیین جدی با ایدئولوژی حاکم در جمهوری اسلامی دارد. ایدئولوژی طالبان اساساً با تشیع سازگار نیست. متأسفانه دستگاه سیاست خارجی دولت به درستی این مطالب را درک نکرده است. طالبان اکنون به ایران نیاز زیادی دارد و به همین دلیل سعی می‌کند به‌رغم تمام اختلاف‌هایی که با جمهوری اسلامی دارد، روابط خود را با ایران حفظ کند تا هم بتواند از بندر چابهار استفاده کند و هم اینکه به تجارت خارجی از طریق ایران ادامه دهد. اما به لحاظ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و طالبان در دو قطب مخالف یکدیگر قرار دارند.

برای تأمین امنیت شرق کشور، باید درک صحیحی از تحولات در افغانستان و ماهیت طالبان ایجاد شود و همچنین تلاش برای از بین بردن زمینه‌های ناراضی‌ت در شرق کشور افزایش پیدا کند تا شرایط محیطی برای نفوذ گروه‌های تندرو تروریست سخت‌تر شود. امنیت در شرق کشور نه‌با دیوار، کانال و خندق، بلکه با تکیه بر نیروهای محلی و اعتماد به مردم تأمین خواهد شد.

نشان داد. جمهوری اسلامی باید اصولی را که به آن پایبند است برای طرف مقابل تعریف کند و تصریح کند که اگر از این اصول تعدی کند، واکنش در خوری نشان داده خواهد شد. اما به‌جای این کار در دولت کنونی نه‌تنها ممانعت کرده‌ایم، اما آگاهانه یا ناآگاهانه هیچ استراتژی مشخصی برای مواجهه با طالبان نداشته‌ایم. ایران در دو سال و نیم گذشته هیچ موضع منسجمی در مقابل طالبان نگرفته است. گاهی تندروی کرده‌ایم و گاهی کندروی کرده‌ایم و هیچ برنامه مدونی برای تأمین منافع بلندمدت و میان‌مدت ایران در افغانستان دنبال نکرده‌ایم.»

برخی دیگر از کشورهای همسایه افغانستان هم سیاست ممانعت با طالبان را در پیش گرفته‌اند با این امید که راضی نگه داشتن طالبان باعث می‌شود این گروه از موقعیت خود در افغانستان برای جلوگیری از اقدام‌های گروه‌های تروریستی و افراطی علیه این کشورها استفاده کند. از جمله این کشورها چین است که تلاش کرده در دو سال گذشته روابط نزدیکی را با طالبان برقرار کند و نیازهای اقتصادی این گروه شبه‌نظامی را برطرف کند. عبدالمحمد طاهری می‌گوید: «چین مرز مشترک



عبدالمحمد طاهری رابزن فرهنگی پیشین ایران در کابل:

طالبان گروهی نیست که بتوان با آن مامشات کرد. با کسی می‌توان مامشات کرد که خطوط قرمز داشته‌باشد. چرا باید با گروهی که هیچ خط قرمزی نمی‌شناسد، مسامحه کرد و ملاحظه نشان داد. جمهوری اسلامی باید اصولی را برای طرف مقابل تعریف کند و تصریح کند که اگر از این اصول تعدی کند، واکنش در خوری نشان داده خواهد شد

رویکرد غلط تهران در قبال طالبان

تلاش‌های دولت سیزدهم برای همکاری با طالبان و جلب رضایت این گروه در افغانستان که از سویی برخی تحلیل‌گران سیاست ممانعت با طالبان توصیف می‌شود، باعث انتقادهایی شده است. عبدالمحمد طاهری می‌گوید: «استراتژی ممانعت با گروه افراطی طالبان به جز اینکه منافع ملی ما را تهدید کند، هیچ نتیجه دیگری نخواهد داشت.» رابزن فرهنگی پیشین ایران در کابل می‌گوید: «طالبان گروهی نیست که بتوان با آن ممانعت کرد. با کسی می‌توان ممانعت کرد که خطوط قرمز داشته‌باشد. چرا باید با گروهی که هیچ خط قرمزی نمی‌شناسد، مسامحه کرد و ملاحظه



پیرمحمد ملازمی تحلیلگر مسائل افغانستان

افغانستان از این ظرفیت برخوردار است که اگر ثبات داشته‌باشد، می‌تواند ثباتش را به کشورهای همسایه صادر کند و به همین ترتیب اگر ناامن باشد و دچار بی‌ثباتی شده‌باشد، این ناامنی و بی‌ثباتی را در پیرامون خود گسترش می‌دهد. گروه‌های متعدد خشونت‌گرا از گذشته در افغانستان محیط فعالیت آزادانه‌ی وسیعی داشتند و از زمان قدرت گرفتن طالبان این فعالیت‌ها تشدید شده است. طالبان از گذشته با القاعده رابطه نزدیکی داشت و با به قدرت رسیدن طالبان، القاعده آزادانه‌تر می‌تواند در افغانستان فعالیت کند. شبکه حقتانی که در برخی کشورها به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته می‌شود، بخشی از طالبان است که با خروج آمریکا از افغانستان، به بخشی از حکومت جدید در کابل تبدیل شده است. داعش هم بعد از فروپاشی خلافتش در سوریه و عراق تعداد زیادی از نیروهای خود را به افغانستان منتقل کرده و اکنون در این کشور مستقر شده است. به نظر می‌آید که ایرانی‌ها باید نسبت به دیدگاه خوشبینانه‌ای که به حاکمیت طالبان دارند، تجدیدنظری جدی انجام دهند تا از ناامنی‌های ناشی از استقرار حکومت طالبان در کابل در امان بمانند.

داعش که مسئولیت عملیات تروریستی ۱۳ دی‌ماه در کرمان را پذیرفته است، انگیزه‌های متعددی علاوه بر مسائل ایدئولوژیک با ایران دارد. نقشی که ایران و روسیه در از بین بردن خلافت داعش در عراق و سوریه ایفا کردند، همچنان در خاطر رهبران این گروه تروریستی باقی مانده است. سردار سلیمانی هم یکی از فرماندهانی بود که نقش برجسته‌ای در مبارزه با داعش بازی می‌کرد و نقش او از ذهن داعشی‌ها پاک نشده است. داعش از زمانی که خلافت و سرزمین‌های تحت تسلطش را در غرب آسیا از دست داد و نیروهایش را به افغانستان منتقل کرد، تصمیم قطعی خود را گرفته است که انتقام آسیب‌هایی را که از ایران خورده است، بگیرد و با تهران تسویه حساب کند. الان داعش در افغانستان، درست در همسایگی شرقی ایران وضعیتی بسیار مساعدتری برای آسیب زدن به ما، نسبت به دورانی دارد که در سوریه و عراق مستقر بود.

زمینه‌هایی در داخل ایران وجود دارد که باعث می‌شود گروه‌های خشونت‌طلب بتوانند از فرصت شکاف‌های موجود در ایران برای اهداف تروریستی خود سوءاستفاده کنند. شهروندان اهل سنت ایران احساس تبعیض می‌کنند. اکثریت نیروهای کارآمد اهل سنت از ساختار اداری حذف شده‌اند. به لحاظ اقتصادی فقر، فلاکت و بیکاری در مناطق سنی‌نشین از خراسان تا سیستان و بلوچستان گسترده است؛ البته مناطق سنی‌نشین در غرب کشور هم همین وضعیت را دارد، اما در شرق کشور به دلیل قربت جغرافیایی با محل استقرار داعش که این گروه تروریستی فعال شده است، مشکلات موجود در شرق کشور، زمینه مساعدتری برای نفوذ گروه‌های تروریستی به وجود آورده است. حوادثی که در چابهار برای یک دختر نوجوان رخ داد و رویدادهای مسجد مکی زاهدان و خاش، فاصله بین شهروندان منطقه را با حاکمیت بیشتر کرد. به نظر می‌رسد که داعش از همین فرصت‌ها استفاده می‌کند. زمانی که مولوی عبدالغفار نقش‌بندی به سمت داعش گرایش پیدا کرد، زمینه‌هایی برای توسعه فعالیت این گروه تروریستی در شرق کشور افزایش پیدا کرد. این مسائل باعث شده است که شرایط محیطی برای